

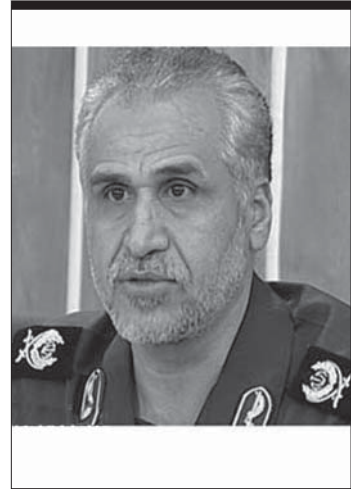
صورت گیرد، حضور این ۲ عنصر از ابتدا شروع عملیات تا پایان عملیات در کنار یکدیگر ضروری است. ولی یکی از مشکلات ما این بود که ۲ قرارگاه نجف (ارتش و سپاه) در رده فرماندهی تا مدتی که آن همه به نظر من در مواقع حساس قبل از عملیات، از هم دور بودند. یکی در کیاندهشت و دیگری در حمید و قرارگاه ارتش خیلی دیر به جلو منتقل شد، و این مشکلی بود چرا که هر تصمیمی از طرف یکی از ۲ نفر مشاور توپخانه گرفته می شد مستلزم حضور دیگری بود و دوری فاصله ۲ قرارگاه بعضی مواقع مشکلاتی به وجود می آورد و این مشکل باید در رده فرماندهان قرارگاه حل می شد ولی بعضی موارد توپخانه تصمیمات یک جانبه گرفته می شد که بعد به علت عدم توافق دیگری مشکل در کار به وجود می آورد.

ب) مشاور توپخانه در قرارگاه باید نظرات کلی خود را در مورد آتش پشتیبانی به اطلاع فرماندهی رسانیده و در ارتباط نزدیک با فرماندهی، از کلیه تغییرات در مأموریت و در جریان باشد و به مقتضای آن، تصمیمات لازم را به موقع گرفته و کار خود را انجام دهد. در قرارگاه نجف به علتی که در بند الف ذکر شد در مورد سازمان برای رزم توپخانه تنها ارتش طرحی نوشته شده و بعد از آن به امضای فرماندهان مشترک ارتش و سپاه رسید و چون به رده بالاتر هم ارسال شده بود تا آخر عملیات تغییری در سازمان توپخانه داده نشد و برای نمونه یکی از لشکرهای سپاه (لشکر نصر) آتش پشتیبانی کمک مستقیم نداشت ولی چون قبلاً سازمان رزم توپخانه از طرف ارتش تعیین و تأیید شده بود تا آخر آتش پشتیبانی به صورت کمک مستقیم نداشت در حالی که از طرف سپاه پیش بینی شده بود، که یک آتشبار ۱۳۰ م. کمک مستقیم این یگان باشد. طرح پشتیبانی آتش و ضمیمه های لازم باید به امضاء و تأیید دو مشاور توپخانه سپاه و ارتش برسد و بعد مورد تأیید فرماندهان مشترک قرار گیرد و کلاً مسئولیت آتش یک قرارگاه با یگان و نحوه بکارگیری آن با تأیید مشاور توپخانه می باشد.

ج) مشکل دیگر ما در عملیات، اجرای آتش دیده بانی نشده بود چرا که یگان ها به اهداف تعیین شده نرسیده بودند و از طرفی منطقه تجمع و فعالیت دشمن در عمق بود و به ناچار بسیاری از اجرای آتش ها در عمق بود جایی که دشمن بود

ارتباطات فرماندهی و توپخانه در سطح قرارگاه ۴. مشکلات داخلی رسالت ۵. وضعیت کلی منطقه عملیات و مأموریت های ویژه.

۱. هماهنگی با ارتش و یگان های توپخانه آن طبق دستور عملیات صادره از خاتم، گروه



توپخانه ۴۰ رسالت از سپاه و گروه ۲۲ توپخانه ارتش مسئولیت پشتیبانی آتش یگان های عمل کننده در قرارگاه نجف را با استفاده از یگان های توپخانه ۲ گروه و نیز طرح ریزی آتش پشتیبانی برای یگان های فوق را به عهده داشتند که استعداد توپخانه سپاه و ارتش در مجموع به این شرح بود:

گروه ۲۲ ارتش: ۲۴ آتشبار ۱۳۰ م. و ۲۰ آتشبار کاتیوشا؛ گروه ۴۰ رسالت: ۱ آتشبار ۱۳۰ م. و ۲ آتشبار ۱۰۵ م.؛ گروه سایر یگان ها مجموعاً: ۲ آتشبار ۱۳۰ م. و ۱ آتشبار ۱۰۵ م.

که با توجه به این استعداد نسبت به طرح ریزی آتش پشتیبانی برای عملیات در منطقه (با توجه به تعیین اولویت ها) اقدام شد. طرح ریزی آتش با توجه به نظرات فرماندهی و با مشارکت عناصر عملیات ۲ گروه انجام شد و در همه موارد هماهنگی لازم صورت گرفت.

مشاور توپخانه ارتش و مشاور توپخانه سپاه در قرارگاه، دستورات کلی و هماهنگی های کلی را در مورد سازمان دادن برای رزم و تعیین خط مشی کلی یگان های آتش را با توجه به مأموریت های قرارگاه انجام می دادند که بعضی اشکالات که در این رابطه وجود داشت ذکر خواهد شد.

به طور کلی مشکلات تناقضی که در تطبیق آتش و هماهنگی ارتش با سپاه در این عملیات بود به طور خلاصه بیان می شود:

الف) چون هماهنگی در مورد به کارگیری توپخانه ها باید مستقیماً با هماهنگی و توافق مشاوران سپاه و ارتش

کمک مستقیم بود و بیان شد.

لازم به توضیح است که شب عملیات، با مشاور توپخانه ارتش در این مورد بحث زیادی شد که یک آتشبار در اختیار لشکر قرار گیرد و به صورت یک دستور ویژه ابلاغ شود ولی علیرغم قبول داشتن این موضوع حاضر به این کار نشدند، و استدلال آنها این بود که قبلاً در سازمان رزم چنین چیزی پیش بینی نشده بود.

ج) طرح ریزی آتش با استفاده از منابعی چون عکس هوایی و اطلاعات عملیات قرارگاه و کالک وضعیت دشمن و هماهنگی با فرماندهی در مورد تقدم‌ها صورت گرفت و در اختیار یگان‌های آتش برای اجرا قرار گرفت.

د) مشکل دیگر ما تطبیق و هماهنگی با توپخانه رده بالاتر و همجوار بود که با نبودن تطبیق رده بالاتر در حین عملیات، ارتباطی بین توپخانه رده بالاتر و همجوار خود (قرارگاه خاتم و کربلا) نداشتیم و با بررسی‌هایی که بعداً انجام شد مشخص شد بعضی از اهداف و نقاطی که ما در عملیات زیر آتش گرفته‌ایم منطقه عملیاتی قرارگاه کربلا بوده است و حتی در یکی دو مورد روی نیروهای خودی اجرای آتش شده و آنها هم به هیچ وجه با ما ارتباط مخابراتی نداشتند که از ما بخواهند که آنجا را نزیم و به علت تغییرات خط حد و وضعیت عملیات، در حین عملیات نمی‌شد وضعیت دقیق منطقه را تشخیص داد و لازمه رفع این مسئله، وجود یک تطبیق آتش در رده بالاتر است که انشاء... در آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳. ارتباطات فرماندهی و توپخانه در قرارگاه

کلاً از نظر ارتباطات فرماندهی قرارگاه و توپخانه به حمدا... مشکلی نداشتیم و خصوصاً از نظر توجیه عملیات در مواقع خود، جلسات لازم صورت می‌گرفت و شرکت در جلسات توجیه ما نیز که با حضور فرماندهان یگان‌ها بود تا حد زیادی به نحوه طرح‌ریزی آتش پشتیبانی کمک می‌کرد اما این مربوط به قبل از عملیات بود. مسئله و مشکلی که داشتیم بیشتر حین عملیات بود که به علت دور بودن تطبیق از قرارگاه فرماندهی، از آخرین وضعیت عملیات و خطوط درگیری بعضی مواقع بی‌خبر بودیم و ارتباط مخابراتی نیز برقرار نبود.

دید نبود و قسمت محدودی که دید داشت یک نوار باریک بود که با توجه به اینکه توپخانه‌های دوربرد آن هم با استفاده از بردهای آخر خود شلیک می‌کردند آن طور که انتظار می‌رفت دقت در کار نبود ولی به علت محدودیت زمین و مشخص بودن معابر در طرف دشمن کلیه آتش‌های اجرا شده به حمدا... مؤثر بود.

د) مشکل دیگر که البته این را با اجبار وضعیت منطقه و زمین تحمیل کرده بود دور بودن تطبیق قرارگاه از یگان‌های اجراء کننده آتش بود که ارتباطات را مشکل و کنترل بر یگان‌های آتش را نیز غیرممکن کرده بود و ارتباط با یگان آتش و فرماندهی برای تطبیق آتش مهمترین مسئله بود.

۲. هماهنگی با یگان‌های توپخانه سپاه (رده‌های پایین و بالا و همجوار)

در این رابطه چون ابتدا به خاطر جنبه‌های حفاظت عملیات، تقریباً تا نزدیک عملیات مسئولین توپخانه لشکرها توجیه نشده بودند برنامه‌های کلی آتش پشتیبانی هم در رده قرارگاه و هم در رده یگان‌های عمل کننده بود و از این نظر مشکلی بحمدا... نداشتیم ولی از زمانی که مسئولین توپخانه لشکرها توجیه شده بودند فقط یک جلسه موفق شدیم برگزار کنیم ولی نه به طور کامل و علت بیشتر آن عدم ارتباط بود (که به هیچ وجه ممکن نبود یک بار با کلیه یگان‌های مأمور در قرارگاه ارتباط برقرار شود).

الف) مشکل ارتباط در حین عملیات در رده تطبیق قرارگاه با تطبیق سایر لشکرها ناشی از عقب بودن تطبیق قرارگاه بود که ابتدا فکر می‌کردیم که ارتباط برقرار می‌شود و تنها مشکل را در ارتباط با فرماندهی می‌دانستیم که بعداً متوجه شدیم مشکل بزرگی در این رابطه داریم و چون حین عملیات هم به علت درگیری موفق نشدیم به جلو برویم این مشکل تا آخر وجود داشت و لازم است که انشاء... در آینده در کنار قرارگاه، فرماندهی تطبیق حضور داشته باشد.

ب) لشکر نصر همانطور که قبلاً گفته شد فاقد یگان آتش به صورت کمک مستقیم بود و درخواست آتش این لشکر جواب داده نمی‌شد که علت آن نداشتن یگان به صورت

۴) مشکلات گروه در رابطه با عملیات

این بخش راجع به مشکلات خود گروه در رابطه با عملیات می باشد:

الف) چون این گروه اولین بار بود که به این صورت وارد عمل می شد، یک سری کمبودها و مشکلات و نقائص وجود داشت که بسیاری مربوط به کمبود نیروی کادر در جاهائی که لازم بود قبلاً گذاشته شوند و آموزش های کافی را ببینند، بود. این مشکل همچنان وجود دارد.

سرعت عمل نداشتن در جابجایی مشکل دیگری بود که بخشی از آن به نبود یک ترابری و موتوری کافی و لازم مربوط می شد. همانطور که قبلاً گزارش شد یک آتشبار ۱۰۵ م. کامل در عملیات بدر انهدام شد که در منطقه شرق دجله هنگام عقب نشینی نیروهای خودی به جا ماند که به علت منحصر بودن به یک پل شناور جهت عبور نیروهای پیاده و تراکم نیرو امکان انتقال توپ و خودرو نبود و تنها ماشین های سبک می توانستند عبور کنند این آتشبار پشتیبان تیپ ویژه شهدا بود و تا نیم ساعت قبل از عملیات شلیک داشتند.

۵) آخرین وضعیت گروه توپخانه فعلاً به ترتیب زیر است:

الف) به علت نداشتن نیروی کادر خصوصاً نیروهایی که با کیفیت و علاقمند به کار در توپخانه باشند کارآموزان به کار گرفته می شوند، که به همین خاطر ناچار شدیم یک آتشبار ۱۰۵ م. را منحل کنیم.

آتشبار کاتیوشا ر هم به علت نداشتن نیروی کادری اگر با این وضعیت باشد نمی توانیم آنها به کار بگیریم چون نیروی کیفی که به آزمون بفرستیم نداریم و الان آموزش کافی و بازدهی عملی خوبی وجود ندارد و آتشبار، فرمانده و معاون ندارد.

به علت اهمیت آموزش و به کارگیری، تا تأمین نیروی کادر جهت آموزش و به کارگیری آنها و قبضه های کاتیوشا، تضمینی برای ابلاغ مأموریت به آنها نیست. اما اگر می خواهند به هر صورت ممکن، قبضه ها بکار گرفته شوند، در اثر عدم آموزش مسئول قبضه و پرسنل آن پس از مدتی کاتیوشائی در کار نخواهد بود. در حالی که باید رئیس و معاون توپ باید کادر ثابت رسمی باشند ما حتی فرمانده آتشبار آموزش هم دیده نداریم و مسئولیت اینها به

عده کیست؟

- یک آتشبار دیگر ۱۰۵ م. هم به علت نداشتن کادر کافی، از کیفیت خوبی برخوردار نیست.

- موضوع دیگر مشکلات و کمبودهای موتوری و تعمیراتی است. متأسفانه از این نظر در مورد خودروها در منطقه عملیاتی، کمبودهای چشمگیری داشتیم که اگر نیروی متخصص و وسایل لازم را در اختیار داشتیم می شد از استهلاک وسائل جلوگیری کرد. اگر واقعاً مسئولین قبول دارند که رسته های تخصصی باید در سپاه سرمایه گذاری و تقویت شوند باید عملاً آنها تقویت کنند و این سرمایه گذاری تا حدی با نیرو حل شدنی است.

کیفیت کاری توپخانه در عملیات دقیقاً به این موضوع وابسته است که چه مقدار نیروی کارآمد، آموزش دیده و باتجربه وجود داشته باشد. در پایان با آرزوی موفقیت و توفیق خدمت به اسلام و مورد توجه قرار گرفتن مشکلات و انشاء... حل آنها، مطلب را خاتمه می دهیم.

فرمانده گروه چهل رسالت، یزدانی»